ساعت شنی

## اگر تابوت‌های دیگری روانه آمریکا شود؟

■ هنوز هم واکنش‌ها به انتشار فیلم اهانت‌آمیز به پیامبراکرم(ص) بحث داغ و خبرساز رقابت‌های انتخاباتی ایالات متحده است. بی‌بی‌سی می‌نویسد: شکی نیست که باراک اوباما رییس‌جمهور آمریکا نیز روزهای دشواری را می‌گذراند. حال، رییس‌جمهوری آمریکا باید از یک سو به مهار بحران در خاورمیانه و شمال آفریقا و حفظ امنیت و منافع کشورش در منطقه بیندیشد و از سوی دیگر، جواب منتقدانی را بدهد که می‌گویند او چوب «سیاست انفعالی» خود را در خاورمیانه می‌خورد. این عده باراک اوباما را متهم می‌کنند که با عدم حمایت صریح از نیروهای میانه‌رو در مصر، تونس و لیبی به روی کار آمدن اسلامگراها کمک کرده است. لیز چنی، دختر دیک چنی، معاون جورج بوش، رییس‌جمهوری پیشین آمریکا صریحا اتفاقات شش روز گذشته را نتیجه منطقی سه سال و نیم سیاست خارجی باراک اوباما دانسته است. اکنون آن دسته از مشاوران باراک اوباما که فکر می‌کردند امتیازی چون کشف مخفیگاه اسامه بن‌لادن و کشتن او، توانایی‌های رییس‌جمهوری را در عرصه امنیت ملی و سیاست خارجی خدشه‌ناپذیر خواهد کرد، به دنبال فرمول‌های تازه‌اند. قطعا باراک اوباما به عنوان فرمانده کل قوا در آمریکا شانس بیشتری از رقیبش در این میدان دارد. او می‌تواند با پیش گرفتن سیاستی درست در بحرانی که پیش رو دارد، عملا قدرت مدیریتش را به نمایش بگذارد. اما اگر تحولات پیش‌بینی‌ناپذیر خاورمیانه بیش از این با چاشنی خشم و خشونت و احساسات ضدآمریکایی همراه شود و تابوت‌های دیگری را روانه آمریکا کند، نه تنها سیاست خارجی چهار سال گذشته باراک اوباما در خاورمیانه را با پرسش‌های جدی روبه‌رو می‌کند، بلکه می‌تواند اعتبار او را در مبارزات انتخاباتی به عنوان رهبر قدر سیاست خارجی آمریکای نو زیر سوال ببرد.

## چین، بهانه رامنی

■ رامنی، رقیب جمهوریخواه اوباما می‌گوید: آنچه رییس‌جمهوری چهار سال پیش وعده آن را داده بود، دروغ از آب درآمده است. او می‌گوید: هیچ تغییری در وضعیت اقتصادی کشور و بحران بیکاری ایجاد نشده است. تنها گستردگی اقتصاد چین بر آمریکا بیش از پیش چیره شده و بحث بیکاری را با بحرانی هرچه بیشتر مواجه کرده است. اما در مقابل، باراک اوباما می‌گوید آمار و ارقامی که رامنی از آن سخن می‌گوید، موثق نیست و چین تنها به بهانه‌ای برای رامنی بدل شده است.

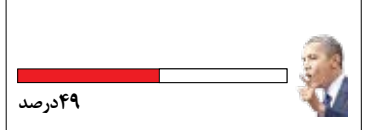


نزدیک

## مرگ ۴ سرباز ناتو در افغانستان

■ **بی‌بی‌سی:** در حمله‌ای مرگبار در افغانستان چهار نفر از نیروهای تحت امر ناتو در ولایت زابل در جنوب این کشور کشته شده‌اند. آدام وولجک، سخنگوی نیروهای آمریکایی در کابل گفت که ممکن است این حمله از سوی نیروهای پلیس افغانستان انجام شده باشد. این دومین حمله از سوی افرادی در لباس نیروهای امنیتی افغانستان به نیروهای ناتو در یک روز است. تاکنون بیش از ۵۰ نفر از نیروهای نظامی خارجی در افغانستان بر اثر آنچه که اکنون «حمله‌های خودی» خوانده می‌شوند، جان خود را از دست داده‌اند.

## حمله به کاروان نظامیان ترکیه

■ **شرق:** در حمله افراد مسلح به کاروان نظامی ارتش ترکیه در شرق آن کشور، دست‌کم چهار نفر کشته و شماری دیگر مجروح شده‌اند. مقام‌های ترکیه با اعلام این خبر تاکید کردند که شبه‌نظامیان گروه پ.ک.ک را مظنونان اصلی این حمله محسوب می‌کنند. یک مسوول فرمانداری منطقه گفت: شبه‌نظامیان پ.ک.ک در حملات خود در استان حکاری از بمب‌های کنترل از راه دور استفاده کرده‌اند. همچنین مقامات امنیتی ترکیه از کشته شدن هشت نیروی پلیس در جریان انفجار یک بمب کنار جاده‌ای در استان بینگول در جنوب آن کشور خبر داده‌اند.

## گزارش کمیته حقیقت‌یاب سوریه

■ **ایسنا:** شورای حقوق‌بشر سازمان ملل امروز برای بررسی گزارش کمیته بین‌المللی حقیقت‌یاب در خصوص سوریه نشستی را برگزار خواهد کرد. پائولو پینرو، رییس این کمیته گزارش مذکور را به شورای حقوق‌بشر ارایه خواهد داد. این گزارش وقایع سوریه را تا ۲۰ ژوئیه مورد پوشش قرار می‌دهد و در این گزارش نقض حقوق‌بشر از سوی نیروهای دولتی سوریه و اقدامات مخالفان در برخی از مناطق مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیش‌بینی می‌شود که این گزارش دولت سوریه و نیروهای آن را مسوول کشتار «الحوله» بداند که بیش از صد کشته بر جای گذاشت.

منبع: ایسنا

# دختر «چه‌گوارا» از پدر می‌گوید

شرق: «چرا باید عاشق پدرم باشم، آن هم پدری که هیچ وقت در کنار من و خانواده نبود. این پرسشی بود که تا ۱۶سالگی مدام به ذهنم خطور می‌کرد و برای آن پاسخی نداشتم. «چه» گهگاه به دیدن ما می‌آمد و بعد از آن برای مدت‌ها ناپدید می‌شد. هنگامی به مرگ پدرم پی بردم که پوسترهای حاوی چهره او را در خیابان‌های شهر «هاوانا» دیدم. «فیدل کاسترو» مرا برای مرگ پدرم آماده کرد و گفت که نباید برای پدرم گریه کنم زیرا پدرم در نامه‌ای گفته است آن‌گونه که می‌خواسته جان خود را از دست داده است.»

«آلیدا گوارا» ۵۱ساله اکنون که ۴۵ سال از مرگ پدرش می‌گذرد، می‌گوید: همه خاطراتی را که از او داشتم یک‌بار دیگر مرور کردم و نهایتا پی بردم پدر من مردی بود که می‌دانست چطور عشق بورزد و من هم مجبورم در مقابل، عاشق او باشم. «آلیدا گوارا»، دختر ارنستو چه‌گوارا چهره مشهور انقلابی آمریکای‌لاتین می‌گوید: هنگامی که پدرم در سال ۱۹۶۷ توسط مزدوران سازمان «سیا» در جنگلی در «بولیوی» اعدام شد، من تنها هفت سال داشتم. او می‌گوید: به یاد دارم که پدرم پس از ناپدیدشدن در کوبا به دنبال اختلاف با روس‌های حامی فیدل کاسترو، با لباس مبدل گاهی به دیدن من و برادرم می‌آمد. حالا چهره پدر آلیدا روی‌میلیون‌ها تی‌شرت نمایش‌های مد، پوسترها و دیگر اقلام مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. ارنستو چه‌گوارا هنگامی که آلیدا چهار سال داشت، او را ترک کرد. اما ارتباط خود با خانواده‌اش را از طریق نامه حفظ کرد.

آلیدا می‌گوید: از استفاده چهره پدرم توسط هواداران بسیار خوشحال هستم. اما دوست ندارم از این موضوع بهره‌برداری اقتصادی شود و در این صورت بسیار عصبانی خواهم شد. او می‌گوید: من نمی‌خواهم از چهره پدرم درآمد کسب شود. بلکه تنها می‌خواهم به سبب احترام به پدرم از آن استفاده شود.

آلیدا گوارا بزرگ‌ترین فرزند چه‌گوارا از ازدواج دوم او است. او می‌گوید: یک روز پس از اینکه کاسترو برای مرگ پدر به من دلداری داده بود، مادرم نامه‌ای از پدرم را برایم خواند که در آن نوشته شده بود: «اگر شما اکنون این نامه را می‌خوانید بدین معنی است که من دیگر در این جهان نیستم.» بله حالا پدرم مرده اما انقلاب همچنان ادامه دارد. اگر دشمن به ما چیزی را که می‌خواهیم نمی‌دهد ما باید خودمان برای گرفتن آن چیز دست به کار شویم.

«ارنستو رافائل گوارا دلاسرنا» که به‌نام چه‌گوارا یا «ال‌چه» شناخته می‌شود، پزشک، چریک، سیاست‌مدار و انقلابی مارکسیست، در آرژانتین زاده شد. گوارا یکی از اعضای جنبش ۲۶ ژوئیه، فیدل کاسترو بود. این جنبش در سال ۱۹۵۹ قدرت را در کوبا به‌دست آورد. چه‌گوارا چندین پست مهم را در دولت جدید کوبا از جمله سفیر، رییس بانک مرکزی و وزیر صنایع بر عهده داشت و پس از آن با امید برانگیختن انقلاب در دیگر کشورها، کوبا را ترک کرد. او ابتدا در سال ۱۹۶۶ به «جمهوری دموکراتیک کنگو» رفت و سپس به بولیوی سفر کرد. در اوایل اکتبر ۱۹۶۷ چه‌گوارا در بولیوی طی عملیاتی که توسط سازمان سیا طرح‌ریزی شده بود دستگیر شد. برخی باور دارند که سیا ترجیح می‌داد گوارا را برای بازجویی زنده در دست داشته باشد، اما در هر صورت او به‌وسیله ارتش بولیوی در نزدیکی «وایه‌گرانده» در مدرسه روستای «لا ایگه را» در «سانتا کروز دلاسیه‌را» به دستور «باریه نتوس» دیکتاتور نظامی، کشته شد.

پس از مرگ چه‌گوارا، او به عنوان یک تئوریسین، متخصص در فنون جنگی و جنگ‌آور تبدیل به قهرمان جنبش‌های انقلابی سوسیالیستی در سراسر جهان شد. آلیدا، دختر چه‌گوارا مدعی است که پدرش کمونیست بود.

### روایت روسی تحریف حقیقت

**ایسنا:** گنادی گاتیلف، معاون وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد: روسیه قصد دارد در شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل از منشور سازمان ملل دفاع کند نه از شخص بشار اسد، رییس‌جمهوری سوریه. او افزود: کسانی که اعلام می‌کنند مسکو از اسد طرفداری می‌کند در حقیقت تلاش می‌کنند تا حقیقت را تحریف کنند.

### جایزه صلح بوسنی برای «اردوغان»

**خبرگزاری آناتولی:** رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه جایزه «عیسی بیگ اسحاقوویچ» را که بالاترین جایزه صلح در بوسنی و هرزگوین است، دریافت کرد. اردوغان بعد از گرفتن جایزه در مقابل حاضران سخنرانی کرد و خوشحالی خود را از گرفتن این جایزه ابراز و شهر سارایوو و جایگاه منحصربه‌فرد آن را در جهان تحسین کرد.

### درخواست احزاب از «مرسی»

**ایسنا:** ۲۳ حزب سیاسی مصر از رییس‌جمهور این کشور خواستند در واکنش به انتشار فیلم موهن به پیامبر اکرم(ص) تابعیت آمریکایی دو پسرش را پس بگیرد. این احزاب با صدور بیانیه‌ای از دولت آمریکا خواستند تا به‌طور رسمی عذرخواهی کرده و جلو انتشار فیلم موهن را بگیرد.

# از آمریکای «کلینتون» تا آمریکای «اوباما»

**توماس فریدمن**
ترجمه مریم مرادخانی

با اینکه به تازگی وارد شانگهای شده‌ام، اما هنوز به استونی و سخنان «اوباما» و «کلینتون» فکر می‌کنم. هفته گذشته، مجله «وایرد» گزارشی را منتشر کرد که از برنامه‌های آموزشی نوینی در مدارس عمومی استونی خبر می‌داد. به گزارش این مجله آمریکایی، تدوین این برنامه آموزشی که هدف آن، آموزش برنامه‌نویسی با کامپیوتر در مراحل ابتدایی آموزش است، به منظور رفع مشکلاتی که شرکت‌های استونی در استخدام برنامه‌نویسان با آن مواجهند صورت گرفته است. تکنولوژی در استونی، به لطف استفاده از اسکایپ شاهد رشدی روزافزون است. خبر آموزش برنامه‌نویسی، آن هم در مدارس ابتدایی در استونی، روزنامه گاردین انگلستان را بر آن داشت تا در یک نظرسنجی، اجرای این ایده را در مدارس بریتانیا به رای عموم بگذارد. جالب است که این مطالب را، در شانگهای که سیستم آموزشی مدارس عمومی آن در ریاضی و علوم، سرمشق سایر مدارس جهان است، مطالعه می‌کردم.

با خودم فکر می‌کردم که شاید زمان آن فرا رسیده است که در ایالات‌متحده نیز، اوباما از استناد به این عبارت بیل کلینتون، «سختکوشی در سایه اجرای قوانین»، که برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ بدان اشاره کرد دست بردارد. عبارتی که در آن زمان، تنها راه رسیدن به یک زندگی ایده‌آل را تکیه بر نظام آمریکایی و مقررات آمریکایی می‌دانست. باید حقیقت را پذیرفت، این عبارت، برای جهان امروز زیادی کهنه است.

امروز، داشتن یک شغل شایسته که شما را به سوی یک زندگی شایسته سوق دهد، نیازمند تلاش بیشتر، برخورداری از آموزشی بالاتر از سطح دبیرستان و به روز کردن اطلاعات‌تان است. تنها در این صورت می‌توانید اطمینان حاصل کنید که تعظیم در برابر قوانین، زندگی ایده‌آل شما را تضمین می‌کند. عبارت کلینتون، امروز تا حدی گمراه‌کننده است. با خود فکر می‌کنید چرا؟ به این علت که در سال ۱۹۹۲، وقتی که کلینتون برای اولین‌بار این عبارت را به کار برد، اینترنت، به تازگی پدیدار شده بود، بالطبع هیچ‌کسی حتی یک آدرس «ای‌میل» نداشت و سرمای جنگ سرد، هنوز در جامعه آمریکا حس می‌شد. ما هنوز در یک سیستم محدود و بسته زندگی می‌کردیم، جهان محصور میان دیوارهایی بود که آرام آرام ترک می‌خوردند و فرو می‌ریختند. دوران پیش از انقلاب فناوری اطلاعات و پدیده جهانی شدن که در آن، هنوز اتحادیه‌ها و کارگران از قدرتی نسبی برخوردار بودند و ایالات متحده هنوز می‌توانست با تصویب قوانین نو، جامعه را به داشتن یک زندگی مناسب تشویق کند.

آن جهان به خاطره‌ها پیوسته است. جهان امروز، براساس یک سیستم آزاد حرکت می‌کند و پیشرفت تکنولوژی و پدیده جهانی‌شدن، شغل‌های سنتی دست پایین را کنار می‌زنند. امروز، بیش از هر روز دیگری، آموزش مستمر، تنها راه رسیدن به طبقه متوسط و باقی‌ماندن در آن است.

جمله‌ای که آن را به «الوین تافلر»، نویسنده آمریکایی قرن بیستم نسبت می‌دهند، به زیبایی نیاز به آموزش مستمر را بیان می‌کند. «در آینده، بی‌سوادی به معنای ناتوانی در خواندن و نوشتن نیست، بی‌سوادی، ناتوانی در آموزش مداوم است.» ماندن و در جا زدن، امروز انسان را به شکست محکوم می‌کند.

در هفته گذشته، تمام آنچه که به گردهمایی جمهوریخواهان مربوط می‌شد، منعکس کردم، اما وقتی همکارم در «تایمز»، گزارشی را درباره اینکه چگونه شغل‌هایشان دستخوش تغییر شده است منتشر کرد، به شدت تحت‌تاثیر قرار گرفتم. تمام آنچه یک گزارشگر در یک روز عادی انجام می‌دهد، در جست‌وجوی در اینترنت، پیگیری توییتر، به روز کردن لحظه‌به‌لحظه اطلاعات و چک کردن ویدیوهای به تازگی منتشر شده خلاصه می‌شود. آیا مایلید گزارشگر تایمز شوید؟ امروز روز شماست. باید سخت کار کنید، هوشمندانه کار کنید و هر روز و زودتر از دیگران، به تقویت مهارت‌های خود بپردازید.

«وان‌تن کوبینلیون»، نایب‌رییس بخش نیروی کار و توسعه اقتصادی موسسه کالج‌های محلی کالیفرنیا، افراد خواهان شغل را براساس میزان مهارت‌هایشان، به چهار گروه تقسیم می‌کند: نخست، کسانی هستند که هم‌اکنون آماده‌اند. این به معنای آن است که این دسته از افراد، تمام مهارت‌های مورد نیاز را کاملا فرا گرفته‌اند. دسته دوم کسانی‌اند که با طی کردن مسیری کوتاه، به گروه اول می‌پیوندند. در حقیقت، امروز، در تمام نقاط جهان، می‌توان افرادی از این دست را یافت. شرکت‌هایی که از یافتن کارمندانی از گروه اول ناتوانند، به این گروه متوسل می‌شوند. شرکت‌ها، غالبا، زمانی که افراد از پیش مهارت یافته را نمی‌یابند سراغ کسانی می‌روند که مهارت‌های لازم را به سرعت کسب کنند. کسب مهارت‌های مربوطه، برای این دست از افراد، در محیط کاری و طی انجام کار صورت می‌گیرد. در صورت کمبود این نیروها، کمپانی‌ها ناگزیر به افرادی رجوع می‌کنند که آماده به کارند. اینها کسانی هستند که پس از دوران ابتدایی، دست‌کم چهار سال دیگر تحصیل کرده‌اند و آماده یادگیری مهارت‌های لازمند. کمپانی‌ها اغلب ترجیح می‌دهند که مسوولیت تعلیم این افراد، به مدارس محول شود. و دست آخر، آن دسته از افرادی‌اند که تا آمادگی برای کار، فاصله زیادی دارند. این دسته از افراد اغلب ترک تحصیل کرده یا به داشتن مدرک دیپلم دبیرستان بسنده کرده‌اند. چشم‌انداز این افراد، برای داشتن یک شغل مناسب، چندان روشن نیست حتی اگر «سخت کار کنند و در برابر قوانین، سر تعظیم فرود آورند.»

بنابراین، آنچه باید بدان توجه شود، برخورداری تک‌تک افراد جامعه از آموزش مستمر است. امروز، نرخ بیکاری ایالات متحده، برای فارغ‌التحصیلان دوره‌های چهار ساله کالج، ۱/۴درصد، برای کسانی که تنها دو سال در کالج تحصیل کرده‌اند، ۶/۶درصد، برای فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌ها ۸/۸درصد و برای کسانی که ترک تحصیل کرده‌اند، ۱۲درصد است. به همین علت است که شعار جدید کلینتون در گردهمایی اخیر دموکرات‌ها را، که از «سختکوشی در سایه اجرای قوانین» فراتر رفته است به هر شعاری ترجیح می‌دهم: «سرمایه‌گذاری روی تک‌تک افراد جامعه، آماده‌سازی افراد برای مشاغل جهان امروز.»

**منبع: نیویورک‌تایمز**

# مخالفان «پوتین» خسته نمی‌شوند

شرق: «تظاهرات میلیونی» نام راهپیمایی‌شان بود اما این راهپیمایی به جمعیت میلیونی نرسید. مخالفان پوتین با وجود اینکه به هدف اصلی‌شان نرسیدند اما می‌گویند نفس حضور مردم در خیابان‌ها نشان می‌دهد که اعتراض‌ها همچنان به قوت خود باقی است و این جرقه‌ها می‌تواند آتش زیر خاکستر را شعله‌ور کند. «رویترز» در گزارشی تحلیلی می‌نویسد: مردمی که تعدادشان به ۵۰هزار نفر می‌رسید، فریاد می‌زدند، دوره ریاست‌جمهوری «پوتین» باید خاتمه یابد. رهبران مخالفان که در این راهپیمایی حضور پیدا کرده بودند، می‌گویند که دیگر نمی‌توانند برای شش‌سال آینده جاسوس سابق «کا.گ.ب» را در قدرت تحمل کنند. یکی از افراد حاضر در این راهپیمایی در گفت‌وگو با رویترز می‌گوید: «مردم می‌گویند سه ماه از ماه مارس گذشته اما هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده است. مردمی که انتظار داشتند، فضا کمی باز شود اما به نشانه ۱۷ زندانی معترض به سیاست‌های پوتین، تی‌شرت‌هایی منقش به افراد زندانی پوشیده بودند». روزنامه بریتانیایی «گاردین» هم خبر خود را درخصوص این راهپیمایی این‌گونه آغاز می‌کند: سه ماه پس از آخرین اعتراضات، مردم این کشور در اعتراض به سیاست‌های پوتین به خیابان‌ها ریختند. آنها بر بالای بالونی سفید نوشته بودند: برای انتخابات زودرس! آلکسی ناوالنی، یکی از وبلاگ‌نویسانی که در این راهپیمایی شرکت کرده بود، می‌گوید: «ما باز هم برخواهیم گشت. این باید بخشی از کار روزانه ما برای زندگی باشد. من از همه می‌خواهم که هر روز خود را در آینه نگاه کنند و این سوال را از خود بپرسند که چه کاری می‌توانیم برای رسیدن به آزادی انجام دهیم». به نظر می‌رسد رسیدن به آزادی راهی است که پیر و جوان در این انتخابات به دنبال آن می‌گردند. پیرمردی ۷۹ساله که در زیر بیرق سرخ‌رنگ شوروی در فضای داس و چکشی آن روزهای کمونیستی روسیه زندگی کرده است، می‌گوید: «مردمی که در شوروی سابق زندگی کرده‌اند، از قوانین مطلق خسته شده‌اند. مردم طاقت زندگی در حکومت پلیسی را ندارند». «سرگئی یوسفاف» ۳۵ساله هم فضای این روزهای روسیه را این‌گونه توصیف می‌کند: «بی‌قانونی مطلق، آلودگی کامل، فقدان آزادی‌های مدنی، نبود دادگاه‌های مستقل و نابرابری‌های اجتماعی.» «بی‌بی‌سی» هم با پوشش گزارش راهپیمایی اعتراضی مردم روسیه نوشت: خیابان‌های مسکو شاهد حضور ده‌ها هزار نفر از معترضان به پوتین بودند. آنها خواستار ابطال انتخابات ریاست‌جمهوری پیشین و برگزاری انتخاباتی تازه هستند. مخالفان پوتین می‌گویند او با تقلب در انتخابات ماه مارس گذشته برای بار سوم به سمت رییس‌جمهوری روسیه رسیده است. پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری و در زمان انتخابات پارلمانی نیز برخی مدعی بودند که «حزب متحد روسیه» به رهبری پوتین در نتایج انتخابات دست برده و به همین دلیل اکثریت کرسی‌های پارلمان را به دست آورده‌اند. گفتنی است دور تازه این اعتراض‌ها پس از آن قوت گرفت که پلیس در دور تازه برخوردها چندین نفر از فعالان سیاسی را در این کشور بازداشت کرده است. روزنامه آمریکایی «هافینگتون‌پست» اما می‌نویسد: در روزهای منتهی به پاییز، مردم روسیه با حضور در خیابان‌ها یادآور روزهای اعتراض در زمستان سرد گذشته شدند. روزهایی که مردم این کشور به نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری روسیه معترض بودند. مردم در بلوارهای منتهی به مسکو یک چیز را روی پارچه‌هایی که با خود حمل می‌کردند نوشته بودند: روسیه بدون پوتین. این راهپیمایی که با حضور هفت‌هزار نفری از نیروهای پلیس همراه بود واکنش‌های مختلفی در بین کارشناسان داشته است. یکی از کارشناسان در گفت‌وگو با این روزنامه می‌گوید: تحمل پوتین نسبت به گذشته در برخورد با مخالفان کمتر شده است. وی برای مدعای خود به گروه پوسی‌رایوت اشاره می‌کند که به تازگی از سوی دادگاهی به دو سال حبس محکوم شده‌اند. این گروه از معترضان به سیاست‌های پوتین هستند که به جرم بدپوشی در مقابل کلیسا و توهین به مقدسات بازداشت شده‌اند. این گروه اخیرا آهنگی را اجرا کرده‌اند که در آن آمده است: «مریم مقدس، پوتین را از کرملین بیرون کن».

قاب روز

**هنری کسینجر در حال تماشای فوتبال.**

عکس: Reuters

دور

## خروج دیپلمات‌های آمریکایی از سودان و تونس

■ **شرق:** همزمان با خروج گروهی از کارمندان و اعضای خانواده دیپلمات‌های آمریکایی از سودان و تونس، سفارت آمریکا در قاهره اعلام کرد که فعالیت خود را از سرخواهد گرفت. این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که گروه القاعده با پذیرش مسوولیت حمله به سفارت آمریکا در لیبی نسبت به حملات جدید علیه سفارتخانه‌های آمریکا در کشورهای مسلمان هشدار داد. یک حزب دست‌راستی افراطی در آلمان نیز در نظر دارد فیلم موهن «بی‌گناهی مسلمانان» را در برلین نمایش دهد. وزیر کشور آلمان این اقدام را «ریختن بنزین بر آتش از سر نادانی» دانسته است.

## تظاهرات علیه ریاضت اقتصادی در پرتغال

■ **خبرگزاری فرانسه:** به دعوت احزاب مخالف دولت و اتحادیه‌های کارگری در پرتغال، هزاران نفر در لیسبون، پایتخت و شهرهای دیگر این کشور در اعتراض به برنامه جدید ریاضت اقتصادی دولت راهپیمایی کردند. دولت پرتغال اعلام کرده که برای ایجاد مشاغل جدید، لازم است کارکنان بخش‌های دولتی و خصوصی از این پس مبلغ بیشتری به حساب‌های بازنشستگی خود بپردازند و همزمان از میزان پرداختی کارفرمایان به این حساب‌ها، کاسته می‌شود. میزان بیکاری در پرتغال حدود ۱۵درصد است.

## دستگیری نوجوان بمب‌گذار

■ **بی‌بی‌سی:** پلیس فدرال آمریکا یک جوان ۱۸ساله را به اتهام تلاش برای بمب‌گذاری دستگیر کرده است. اف‌بی‌ای اعلام کرد که این شهروند آمریکایی قصد داشته که یک خودرو بمب‌گذاری شده را در برابر یک میخانه در شیکاگو منفجر کند. بازپرسان پلیس فدرال می‌گویند که این شخص را در یک عملیات مخفیانه به دام انداخته‌اند و از طریق یک مامور مخفی که خود را یک تندرو جا زده بود، برای مظنون بمب قلابی فرستاده‌اند.

## درگیری در صحرای سینا

■ **رویترز:** افراد مسلح ناشناس با استفاده از سلاح آرپی‌جی به مقر امنیتی ارتش مصر در شمال صحرای سینا حمله‌ور شده و به دنبال آن درگیری مسلحانه‌ای میان این افراد و تک‌تیراندازهای مستقر در بام مقر امنیتی مصر رخ داد. بنا به اظهارات شاهدان عینی، این درگیری‌ها در منطقه «ضاحیه السلام» واقع در شرق العریش در شمال صحرای سینا آغاز شد و نزدیک یک ساعت به طول انجامید. تاکنون هیچ‌گونه تلفاتی از این درگیری‌ها گزارش نشده است.

## ترور ناموفق یک مقام یمنی

■ **ایسنا:** منابع یمنی اعلام کردند در پی انفجار یک بمب که در مکلا مرکز استان حضرموت یمن رخ داد دو سرباز یمنی کشته و شش نفر دیگر زخمی شدند. هدف این انفجار فرمانده نیروهای امنیت مرکزی استان حضرموت بوده اما وی از این حادثه جان سالم به در برد. استان حضرموت بزرگ‌ترین استان یمن است و نزدیک به ۳۶درصد مساحت این کشور را به خود اختصاص داده است که برخی پایگاه‌های القاعده در آن وجود دارد و جدایی‌طلبان یمن نیز از آن به عنوان پایگاه خود یاد می‌کنند.

در این روز

**۱۷ سپتامبر ۱۹۴۸**

## مرگ میانجی در فلسطین

■ کنت فولک برنادوت، میانجی سازمان ملل در حل مساله اعراب و اسراییل هنگانی که با خودرو از یک منطقه اسراییلی در فلسطین می‌گذشت هدف تیراندازی یک اسراییلی افراطی قرار گرفت و کشته شد. در این تیراندازی یک سرهنگ فرانسوی ناظر بر آتش‌بس نیز جان سپرد. برنادوت در آخرین گزارش خود به دبیرکل سازمان ملل یادآور شده بود که اعرابی که از خانه‌های خود اخراج و آواره شده‌اند باید بازگردند و در ترتیبات بعدی، بیت‌المقدس باید وضعیت ویژه داشته باشد. برنادوت دیپلماتی سوئدی بود که قبلا موفق شده بود موافقت اعراب و اسراییلی‌ها را به چهار هفته آتش‌بس به دست آورد و اتحادیه تازه‌تاسیس عرب را آرام کند اما هیچ‌یک از طرفین با طرح‌های او موافقت نداشتند. برنادوت در همان زمان پیش‌بینی کرده بود که اگر راه‌حل فوری برای مساله فلسطین یافت نشود این مساله ده‌ها سال ادامه خواهد یافت، باعث خونریزی فراوان خواهد شد و قدرت‌های رقیب از آن به سود خود سوءاستفاده خواهند کرد و صلح جهانی در مخاطره خواهد بود.